



# سپوا

نشریه فرهنگی اجتماعی هیوا  
اردیبهشت ماه ۹۷ - شماره سوم  
شمارگان: ۷۰۰

صاحب امتیاز: کانون فرهنگی خیریه بچه های آسمان

مصاحبه با کامیل احمدی - مردم شناس و پژوهشگر در مسائل اجتماعے

عروسک های بیداری

ما لعبتکانبیم و فلک لعبت باز

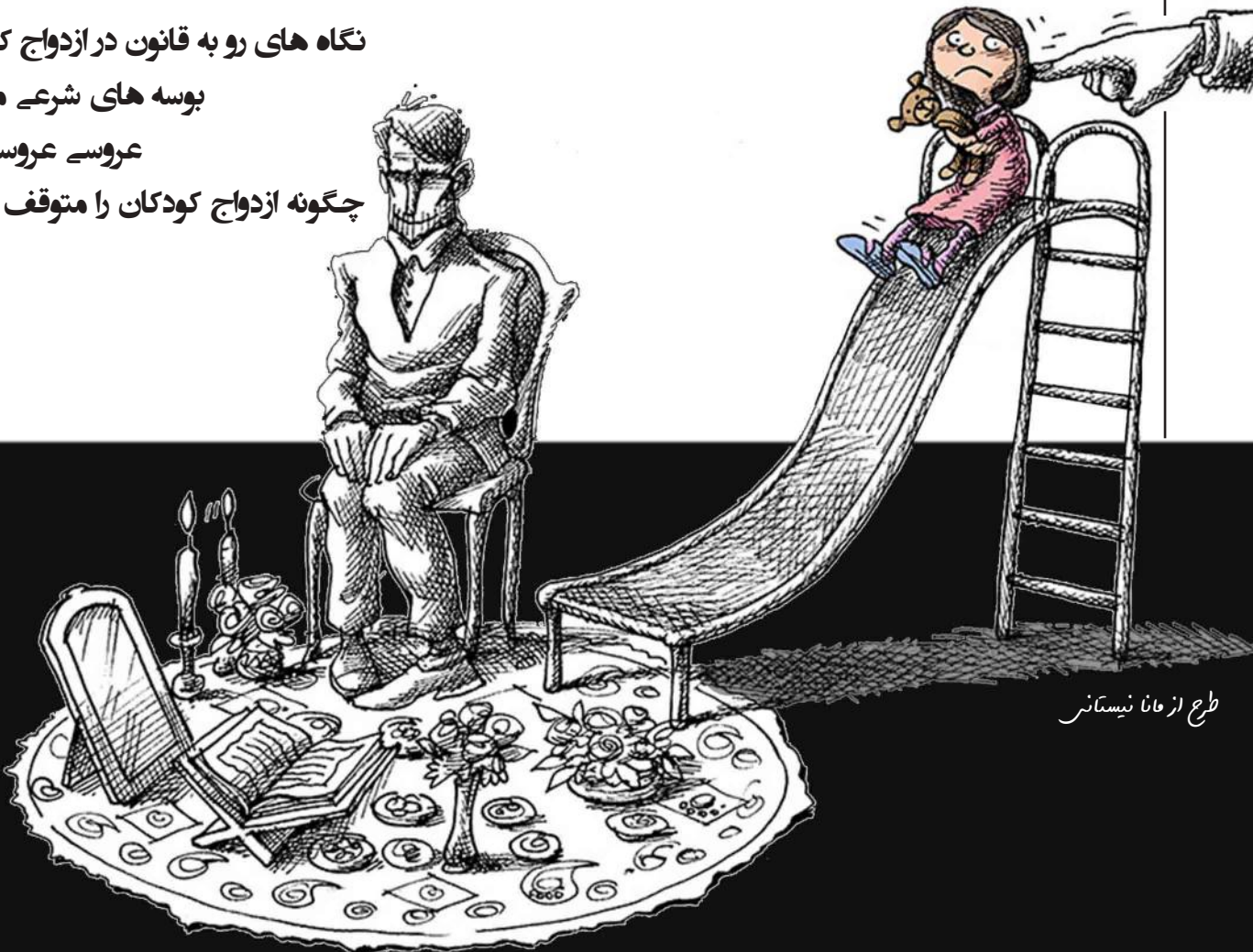
۱۸-

نگاه های رو به قانون در ازدواج کودکان

بوسه های شرعے مسموم

عروسے عروسک ها

چگونه ازدواج کودکان را متوقف کنیم؟



طرح از مانا نیستانر



## فهرست:

- ۳..... یک کودکانه تلخ .....
- ۴..... ما لعبتکائيم و فلک لعبت باز.....
- ۵..... بوسه های شرعی مسموم.....
- ۶..... عروسک های بيداری .....
- ۸..... نگاه های رو به قانون در ازدواج کودکان.....
- ۱۰..... مصاحبه با کاميل احمدی .....
- ۱۳..... ۱۸- .....
- ۱۵..... عروسی عروسک ها .....
- ۱۷..... چگونه ازدواج کودکان را متوقف کنیم؟ .....
- ۱۹..... #ازدواج\_کودکان .....

راه های ارتباطی:

نشریه فرهنگه اجتماعه هیوا

صاحب امتیاز:

کانون فرهنگی خیریه بچه های آسمان

مدیر مسئول و سردبیر:

پارسا حقیقی نایینی

طراحان:

مریم رحیمی، مریم محمدباقری

صفحه آرا:

پارسا حقیقی نایینی

ویراستار:

محمد حسین فروردین

همکاران این شماره:

عاطفه شریفی، سجاد کریمی راهجردی،

فاطمه شاهوردی، علیرضا زارعی، کاظم

اکبرنژاد، محمد حسین فروردین، مریم

رحیمی، زهرا شجاعی، راضیه سلیمانی، پارسا

حقیقی نایینی، فاطمه نیکوکار، زهرا عباسی

## یک کوردکانه تلخ

فاطمه نیکوکار - مهندسی شیمی ۹۶

سرمست دور خود می چرخید، موهایش را به باد می داد و دامن گل گلی اش به رقص در می آمد و این اوج ذوقش بود...

تمام دلخوشی اش، لبخند های خسته ای بود که بر لب های دودزده ی پدر می نشست ...  
شب ها ستاره ها را شکل می داد و می رقصاند...

با عروسک های کوچکش هر شب ضیافت به پا می کرد و عصرها برایشان چای قند پهلوی دم می کرد...  
تمام دغدغه اش این بود که سارا را خوب تربیت کند؛ عروسکش را می گویم...

صدای آوازش، به کوچه های کاه گلی روستا روح میبخشید...  
عاشق بستنی های کلاه خوشمزه ی مغازه ی حسن آقا بود...

مشق هایش را خوب و با دقت می نوشت:

بابا آمد... بابا با نان آمد... سارا خوابید... من سارا را دوست دارم...

صفحه را که از مشق «بابا با نان آمد» پر می کرد، با دستان کوچکش، نان های داغ را، یکی یکی، از تنور خانه بیرون می آورد.

برای تاول های انگشتانش اسم گذاشته بود: بادکنک های قرمز!

درس خواندن را دوست داشت و می خواست دکتر بشود؛ مثل خانم دکتری که در شهر او را معاینه کرده بود. نسخه دکتر را روی دیوار اتاق زده بود و زیر آن با نام خودش امضا کرده بود.

تنها از مدرسه می آمد و شاید حسرت بود در نگاهی که به آغوش باز پدر هم کلاسی اش افتاد...

با خودش حرف میزد و درد دل میکرد: من بابا رو خیلی دوست دارم. من دوست دارم باهاش حرف بزنم. اما اون با من کم حرف میزنه و من خیلی وقتا نمیفهمم به مامان چی میگه. بعضی اوقات ناراحت بهم نگاه میکنه و به مامان میگه: مگه چی میشه؟ یه نون خور کمتر!!... یعنی اگه نون نخورم دیگه بابا دوستم داره؟؟؟

یک روز وقتی معلم زیر مشق «بابا آمد» برایش مهر صد آفرین زد، بابا آمد... از شوق خودش را در آغوش پدر انداخت... و بابا آمد...

به مغازه حسن آقا که رسیدند از همان بستنی های کلاه خوشمزه برایش خرید و از او قول گرفت به آقایی که در خانه شان مهمان است بله بگوید...

سارا را در آغوش گرفت و با همان لباس مدرسه اش نشست سر سفره عقد! و شاید مقنعه سفیدش تور عروسی اش بود...

بله را گفت و به بابا قول داد همیشه به آقا بگوید چشم!

حالا از آن روز سال ها می گذرد. دخترک خیال پرداز پرهیاهو، حالا برای خودش خانمی شده است...

حالا هرشب غذا درست می کند، اما برای آقا!

عصرها چای قند پهلوی دم میکند، اما برای آقا!

وسایل خانه را مرتب می کند، خانه آقا!

و تمام دغدغه اش این است که سارا را خوب تربیت کند؛ دخترش را می گویم...

سراغ تنها یادگار کودکی میرود؛ دفتر مشق کلاس اول...

خودکار قرمز را برمی دارد؛ اشک هایش روان است و حالا طور دیگر

می نویسد:

بابا آمد... بابا با آقا آمد...

کودکی رفت... سارا خوابید... من سارا را دوست ندارم...



# ما لعبتکنايم و فلک لعبت باز

علیرضا زارعی - مهندسی شیمی ۹۶

برابری با مردان و حضور در عرصه های اجتماعی را از آنان خواهد گرفت! در واقع خود کودکان، زندگی و روح کودکان آن ها و این که با وجود این شرایط چه بر سر آن ها خواهد آمد برای کسی اهمیت ندارد؛ چه دختر چه پسر، چه در جامعه شهری، چه در جامعه روستایی و سنت محور که در آنجا اوضاع به مراتب وخیم تر است. به عنوان مثال، در دارالاسماعیل خان پاکستان، با حکم تنبیهی بزرگان، دختری ۴ ساله به عقد مردی ۴۵ ساله درآمد! تنها به این جرم که دایی دختر با برادرزاده داماد به علت مخالفت خانواده با ازدواجشان، از ده گریخته بودند. یا حتی ازدواج دختری ۶ ساله با مردی ۵۵ ساله در ازای یک بز در کشور افغانستان....

و متأسفانه این ها تنها مشتم نمونه خروارند؛ در سرتاسر دنیا، از این دست رویدادها مدام در حال رخ دادن هستند و واکنشها، برخوردها و دغدغه های مردم عادی و نهادهای قانونی و بین المللی، خود حاکی از حقایق تلخ دیگری است... و نکته فاجعه بارتر این است که کودکان، جدای از ابراز احساسات ظاهری که آن هم مقطعی و گذرا و در مواجهه با موارد خاص است، بیشتر به عنوان یک کالا یا مطاع قابل تجارت یا بازیچه هایی با کاربرد مختلف، ولی دردناک برای خود کودک استفاده می شوند...

به قول شاعر ایرانی خیام

ما لعبتکنايم و فلک لعبت باز  
از روی حقیقتی نه از روی مجاز  
یک چند در این بساط بازی کریم  
رفتیم به صندوق عدم یک دم باز

و این حقیقتی بسیار تلخ است که هر کدام از ما به سهم خود، در به نیستی و نابودی کشاندن کودکی کودکان مقصریم؛ و شاید اولین قدم برای احقاق حق کودک، افزایش آگاهی و نگاه منصفانه و شاید مهمتر دوری از جریان های کور و جوردگی موجود در فضای مجازیست!

و موضوع مهم دیگر، قرار گرفتن کودکان جامعه شهری در مسیر تحولات خطرناکیست که منشا اصلی آن به طور کامل مشخص نیست. گسترش شدید و افسارگسیخته و به وجود آمدن احساس نیاز به ارتباطات ناسالم در سنین پایین که به مرور باز هم در حال انتشار و ابتلا به سنین پایین تر است، احتمالاً به زودی یکی از معضلات مهم اجتماعی خواهد شد که تبعات آن به طور دقیق مشخص نیست، اما می توان گفت به احتمال زیاد فاجعه بار خواهد بود... و همچنان مهم ترین واکنش تمامی آحاد جامعه کشور و حتی جامعه جهانی، بی تفاوتی است!

هر از چندگاه، رویدادهای خاصی در کشور یا سراسر جهان رخ می دهد که طوفان های سهمگین از ابراز بی پروای احساسات، نظرات تمسخرآمیز، ساختن لطیفه های گوناگون و وصل کردن آن به سیاست، حکومت، دولت و احزاب خاص را به هر شکل ممکن به پا می کند. از قتل آتنا و بنیتا تا آتش سوزی ساختمان پلاسکو، زلزله های کرمانشاه تا توصیه یک برنامه رانشناختی و همه پیشامدهای ریز و درشت دیگری که مدتی سوزده اصلی فعالیت کیبوردها و بحث داغ جمع های کاری و دوستانه است... اما نکته جالب نحوه برخورد عموم با اتفاقات دردناک است؛ چرا که عکس العمل ها دقیقاً حول آن جایی می گردند که به هیچ عنوان نباید به سمت آن منحرف شوند. همانند لطیفه ساختن، برخوردهای سراسر کور و احساسی تا حملات بی ربط به جریان های سیاسی خاص که متأسفانه داستانی همیشگی است که بارها با آن مواجه شده ایم؛ اما دریغ از یک بررسی و تحقیق علمی و منصفانه!

و ازدواج کودکان دقیقاً از جمله همین رویدادهاست که به ندرت با انتشار عکسی از زوجی با اختلاف سنی عجیب همین بحث ها دوباره راه می افتد و مانند ابر بهاری، به اندازه همان خروشان ابتدایی، به فراموشی کامل سپرده می شود و از آن، تنها چند عکس و اثراتی از تمسخر باقی خواهد ماند!

البته بی تفاوتی نسبت به این موضوع منحصر به قشر مردم عادی نمیشود؛ تا جایی که حتی برای افراد خاص و متخصصی که مسئولیت بررسی این گونه اتفاقات بر عهده آن هاست هم اهمیتی ندارد! همچون شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل که به اظهار نظرهای تند سیاسی و حقوق بشری شهرت دارد، برخلاف انتظار در کتاب خود با عنوان «حقوق کودک» در این زمینه سخنی به میان نیاورده است و از این تاسف بارتر این است که حتی در کنوانسیون جهانی حقوق کودک هم بندی در باب ازدواج کودکان وجود ندارد! و گاه شاهد عکس العمل های خاصی نیز هستیم که قابل تأمل و تفکرند؛ چندی پیش در کشور مصر، مردی در حین برگزاری عروسی پسر بزرگش، ازدواج پسر ۱۲ ساله خود را با دختر عمومی ۱۱ ساله اش اعلام کرد! اما این بار اعتراضاتی از طرف اقسار مختلف نسبت به این عمل به راه افتاد؛ علاوه بر مردم عادی، نهادهای قانونی و حقوقی مصر هم لب به اعتراض گشودند (در قانون مصر ازدواج دختران زیر ۱۸ سال ممنوع است)؛ اما مطلب مهم واکنش رئیس مرکز حقوقی زنان مصر است که اعلام کرده بود شکایتی تنظیم و این موضوع را از طریق قانونی پیگیری خواهد کرد... اما دلیل اعتراض او قابل توجه است: (چرا که ازدواج دختران در این سن، فرصت



## بوسه های شرعی مسموم

راضیه سلیمانی - شیمی ۹۳

نمی دانم از کدام سده ازدواج کودکان مخصوصا در دانه های بابا مرسوم شده، نمی دانم کدام منطق و کدام قلب به انجام چنین کاری رضایت می دهد و حتی آن را تأیید می کند؛ اینکه کودکی یا بهتر بگویم دختر بچه ای قبل از نه سالگی - سن شیطنت های کودکانه اش - یا حتی شیرخوارگی - سن هم آغوشی با سینه ی پرمهر مادرش - طعم بوسه هایی را بچشد که تفاوتش با بوسه های والدین از زمین است تا آسمان...

تنش نوازش شده ی دستانی باشد که چه بسا بر اثر کهولت سن پینه ها بسته ...  
می گویند مصلحت!

اما کدام مصلحت شامل حال چنین کودکی شده که نه نظرش دخیل بوده و نه حتی مصلحت خود او!!

مصلحتی که در این گونه وصلت ها از آن حرف میزنند مصلحت بزرگ تر هاست، مصلحت وصله شدن با بزرگان است...

نوشته اند مصلحتی به اسم صلح برای جلوگیری از جنگ و فتنه!! آیا جنگ فقط ریختن خون هزاران بی گناه است؟! آیا این جنگ نیست که کودکی که هنوز هویت جنسی را حتی نمی داند چیست باید با آن در کنار دیگری روبه رو شود؟! آیا این فتنه نیست که در آن حجله ی شوم انجام می گیرد؟!

این انصاف است که او آنقدر کوچک باشد که حتی به رضایت یا عدم رضایتش هم نیازی نباشد تا خطبه ی عقدش را بخوانند؟!

من نه عالم ام نه حاکم و نه قاضی؛ من فقط یک انسانم که سعی میکنم با بهره از عقل ناچیز و احساس و وجدانم چیزهایی را که دیده ام توصیف کنم...

هرچند که می دانم احکام زیادی وجود دارد تا این تلخی ها را ظاهری شیرین کام بخشند...

۱. اسلام در صحت عقد ازدواج هیچ گونه محدودیت سنی را مطرح نکرده و این امر را بر عهده طرفین (در صورتی که بالغ باشند) و اولیای آنان گذاشته است تا با توجه به شرایط شخصی، خانوادگی، قومی، اقلیمی و... خود در این زمینه تصمیم بگیرند.

\*حال آنکه دیده ایم و می بینیم که اولیای طفل غیر بالغ اکثرا مصلحت هایی را در نظر می گیرند و با چنین ازدواج هایی موافقت می کنند؛ که اگر مصلحت هایی مرتبط با خود طفل هم باشد نظر و سلیقه ی وی هیچ گاه پرسیده نمی شود مگر زمانی که خود را در جایگاه «بله گفتن» می بیند و ناچار است!

۲. جواز انعقاد عقد ازدواج به معنای جواز همه استمتاعات جنسی و اعمال زناشویی نیست؛ زیرا بعضی از لذت های جنسی بین زن و شوهر مشروط به سن خاصی از زن (همسر) است تا از هرگونه آسیب جسمی روحی او جلوگیری شود، و در صورتی که شوهر از این قانون اسلام تخلف کرده و با همسر نابالغ خود نزدیکی کند و این کار او موجب خسارت به سلامتی جسمی او شود، از نظر اسلام علاوه بر حرام شدن دائمی این همسر بر او، مجازات های مالی سختی نیز در انتظار او است که فقهای بزرگ شیعه از صدر اسلام تا کنون به این مجازات ها در کتب فقهی و رساله های عملیه خود تصریح کرده اند.

خب اگر خوش بینانه نگاه کنیم می بینیم که حتی همان لذت های فاقد مشروط به سن خاص (همچون بوسه، نوازش و...)، که صریحا اعلام شده مشکلی ندارد، باز هم برای کودکی که باید طعم نوازش را از مادر و پدر خویش دریافت کند و ذهن و روح لطیفش هنوز پذیرای انواع خاص این گونه بوسه ها و نوازش ها نیست آسیب رسان است، و البته بیشتر روح وی دچار نقصان خواهد شد.

از نظر اشخاص مهم دینی و مذهبی ازدواج به دخول خلاصه شده است چنانکه عملا ذکر کرده اند ازدواجی که تا قبل از بلوغ دخول نداشته باشد مشکلی ندارد؛ چنانکه همه ی ما بارها شنیده و خوانده ایم ازدواج فقط به اشتراک گذاشتن جنسیت ها نیست و ازدواجی شایسته است که هر دو طرف هم تن خویش را هم فکر خویش را و هم روحشان را به اشتراک گذارند، این حکم مذکور برای من نوعی همچون فحش رکیزی بود که اسباب تاسف خوردن به حال آنانکه زن را صرفا به قصد لذت جنسی به ازدواج درمی آورند، را مهیا کرد.

در قسمتی از احکام ذکر شده است که احکام مذکور مانند درمان هستند برای وقتی که چنین حالت های نادری پیش آمد ولی سخنی از امام صادق را دیدم که شکل قضیه دگرگون شد...

- تعجیل در شوهر دادن دختر و محفوظ نمودن او به واسطه شوهر در وقت بلوغ او، مستحب است، که از امام صادق علیه السلام است: «از سعادت مرد این است که دخترش در خانه او حیض نبیند». و در خبر است: «به درستی که دختران بکر به منزله میوه روی درخت می باشند، اگر میوه ها رسیدند و چیده نشدند آفتاب آن ها را خراب می کند و باد آن ها را روی زمین می اندازد و چنینند دختران باکره در وقتی که می رسند به آنچه که زن ها رسیده اند پس برای آن ها دوایی نیست مگر شوهر نمودن». (تحریر الوسیله ی آیت الله خمینی کتاب نکاح)

باتمامی احترامی که قائم برای این شخصیت و افراد موافق و مخالف ایشان باید بگویم که این حرف و سخن با عقل سلیم چندان موافق نیست و شاید یکی از دلایل این ناهماهنگی این باشد که اشرف مخلوقات دو نوع نر و ماده نیست، و اگر اشرفی در کار باشد محدود به جنسیت نباید باشد!

با وجود همه ی تلخی هایی که سراسر این سرزمین را فرا گرفته و ابرهای آلوده ای که در هوای شهرهایمان آبتن ناکامی هاست، باید از یک جایی هرکدامان از هر گوشه ای آرام آرام قدم ها برداریم و قد علم کنیم برای مقاومت در برابر این قبیل ممنوع هایی که به خلط منافع خویشتن یا گروهی حلال شده و خوشی ها را برای حتی برای یک نفر حرام کرده است.



# عروسک‌های بیداری

عاطفه شریفی - شیمی ۹۵

تواند شرایط اقتصادی کل خانواده را بهبود بخشد. همچنین؛ باتوسعه شهرنشینی، مهاجرت های بی رویه، شکاف طبقات جامعه و... پدیده ای مرسوم به حاشیه نشینی شکل گرفته و همچنان روبه رشد می باشد؛ چنین پدیده ای خانواده هایی را در بطن خود شکل داده است که باوجود الگو قراردادن زندگی شهری، از آن بی بهره می باشند؛ و به علت محرومیت های اقتصادی به حاشیه رانده شده و در نتیجه فرهنگ و اقلیمی متفاوت از شهر یا روستا را به وجود می آورد که در آن ازدواج کودکان برخلاف عرف شهر و بدون در نظر گرفتن نیاز آن ها و به علت فقر شدید خانواده ها بسیار مرسوم می باشد. لازم به ذکر است؛ پدیده ی ازدواج طی گذشت زمان، تحولات جامعه امروزی و نیازهای آن؛ با گذشته قابل مقایسه نیست؛ چرا که بنابر فرهنگ و شرایط اقلیمی و... تعریف کودک با جامعه امروز متفاوت می باشد از این رو در گذشته، ازدواج در سنین پایین کاملاً مرسوم و عرف محسوب می شد و این کاملاً متفاوت از آن است که بخواهیم سن ازدواج را در زمان حال و با وجود تمام تغییرات و پیچیدگی های زندگی و اجتماع؛ بی حد و آزاد بگذاریم. احتمال وقوع فقر در کودکان متاهل بسیار بیش تر از بزرگسالان متاهل می باشد که به عواملی چون رفاه، آموزش و سیستم عدالت وابسته است؛ دلیل دیگر آن؛ این است که کودکان تحلیل درستی از وضعیت پیش آمده ندارند و متوجه وقوع فقر نشده اما قربانی پیامدهای آن می شوند. از دیگر مشکلات عدیده حقوقی اقتصادی که در پی این عارضه رخ می دهد؛ این است که آنان حکم رشد ندارند با وجود آن که متاهل هستند ولی با در نظر داشتن سن قانونی (۱۸سال) نمی توانند هیچ مطالبه ای برای مهریه و یا نفقه داشته باشند. آن ها حتی توانایی افتتاح حساب در بانک ندارند و از حداقل حقوق های خود نیز نادانسته محروم می شوند و این در حالی است که نه تنها جریمه و مواجهه ای با ازدواج کودکان نمی شود بلکه عملاً هیچ اجباری برای ثبت قانونی این ازدواج ها وجود ندارند؛ چطور است که برگه ازدواج از شناسنامه یک دختر ۹ساله حذف نمی شود اما همین دختر برای کارهای حقوقی خود، به شخص دیگری نیازمند است و این رساننده چنین پیامی است که پذیرفتن سایر نقش های اجتماعی به رشد و بلوغ عقلانی بیشتری نسبت به ازدواج نیازمند است!

بررسی ازدواج های زودهنگام، نتایجی خلاف تصورات را نشان می دهد؛ کودک همسری نه تنها امکانات و آرزوهای

عروسک ها می فهمند، عروسک ها داد می زنند، عروسک ها می گریند، عروسک ها می گویند... عروسک ها جا مانده اند؛ جایی کنار خنده های از ته دل، دویدن و بازی کردن، جایی کنار عروسک هایشان...

## عروسک های بیداری

قبل از مزه مزه کردن روزهای بی دغدغه کودکی، کفش ها را زیر بغل زده و پا برهنه، به تاریکی تونل زمان؛ رهنمون می شوند. کف پاها زخم برمی دارد، مردمک چشم ها از ترس، بزرگ و بزرگ تر می شود ولی حتی راه برگشت، مخوف و نا امن می نماید... قدمی دیگر بر می دارد و دستان سرما زده اش را بغل می گیرد. صدای فریاد کودکی؛ تمام تونل را پر می کند و به امید شنیده شدن، برای هزار بار، انعکاس می یابد...

## نذر چه می شود ذبح کودکی؟

حق خوراک، پوشاک، بهداشت، امنیت، آموزش و رفاه را سلب می کند و سرانجام از گرفتن «حق کودکی» هم هیچ ابایی ندارد «فقر» حقیقتی است انکار ناپذیر که مانند شاخه های درختی در جامعه، مدام رشد می کند و قدرتمند می شود و اگر دستانی برای هرس آن پیش نیاید، خانواده های بیشتری را درگیر می کند.

سایه ی فقر اقتصادی بر نهاد خانواده ها؛ اثرات نا به جایی می گذارد برای مثال باعث می شود که به تدریج بسیاری از آرمان ها، اهداف و دیدگاه های خانواده از دست برود به طوری که، حضور فرزندان هزینه و بار اضافی بر دوش خانواده به حساب می آید و والدین که می بینند از پس کوچکترین مایحتاج فرزندان خود بر نمی آیند و حتی توان مراقبت از آنها را ندارند؛ به این فکر می افتند که با ازدواج کودکان خود نه تنها، سنگینی این بار را بر زمین می نهند، بلکه خوشبختی آنها را نیز تضمین می کنند. طبق آمار و گزارشات ازدواج کودکان دختر در خانواده هایی که از لحاظ اقتصادی در شرایط نابسامانی به سر می برند و یا کودکانی که تحت سرپرستی پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود هستند، بسیار شایع می باشد؛ برای این خانواده ها، ازدواج نوعی امتیاز اقتصادی به حساب می آید؛ به این ترتیب که ازدواج فرزندانشان با فرد ایده آل (دراکثر مواقع فردی با تفاوت سنی نامعقول می باشد) می



که فقر را برای نسل‌ها در خانواده‌ها، باز تولید می‌کند. چنین شرایطی را برای مادری که باید کودکانش را هم رشد دهد و یا پدری که هر روز باید بر سر کار حاضر شود، تصور کنید!

### اقتصاد سیاسی

منطق سرمایه، شاید به خودی خود تشویق‌کننده ازدواج کودکان نباشد اما فهم آن می‌تواند به ما کمک کند تا دریابیم پیش و پس از تعلقات مذهبی، انتفاع نظام اقتصادی از ازدواج کودکان عامل موثری در سکوت و بی‌کنشی نهادهای مسئول در برابر پدیده‌ای است که قشری از جامعه را درگیر کرده است.

یکی از سیاست‌های اقتصادی کلان نظام، ورود به عرصه تجارت جهانی و تعدیل ساختاری است. کشوری برای ورود به این عرصه مناسب است که منابع انرژی و نیروی کار ارزان قیمت در اختیار داشته باشد؛ جوانی و کم‌هزینه بودن نیروی کار، بدون استفاده از امکانات افزایش جمعیت جامعه برای بازتولید نیروی کار، مؤثر نیست؛ به عبارت دیگر هرچه افراد جامعه دیرتر ازدواج کنند و دیرتر بچه دار بشوند، این نیاز به حفظ مزیت نیروی کار به خطر می‌افتد. در نتیجه تداوم نیروی کار در گرو استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت تولید مثلی و فرزند آوری است که البته باید در نظر داشت الزاماً به معنای توزیع عادلانه ثروت و رفاه ماحصل تولید و خدمات نیست.

دختران را متوقف می‌کند بلکه تلاش برای پایان دادن به فقر و دستیابی به رشد اقتصادی و عدالت را تضعیف می‌کند؛ محرومیت از ادامه تحصیل و به دنبال آن محرومیت از دست‌یابی به پایگاه اجتماعی بالاتر، رفاه و سطح زندگی بهتر از نتایج طبیعی ازدواج کودکان است که با خود محرومیت از اشتغال و کسب مهارت را به دنبال دارد؛ در نتیجه منجر به افزایش فقر، کاهش اعتماد به نفس و تداوم شرایط وابستگی به همسر، می‌شود. از طرفی اکثر این ازدواج‌ها، در هیچ کجا ثبت نمی‌شود و این دختران ممکن است با کوچکترین بهانه‌ای از خانه شوهر، اخراج شوند، که به معنای بازگشت به همان فقر خانواده در شرایطی بسیار بدتر می‌باشد و جامعه را با پدیده ناهنجار کودک بیوگی روبه‌رو می‌کند.

اگرچه پدیده کودک همسری بیشتر در دختران گزارش می‌شود ولی از سهم ازدواج پسران و پیامدهای اقتصادی آن نیز نمی‌توان صرف نظر کرد. پسرانی که به هر دلیل قربانی ازدواج زود هنگام هستند، مسئولیت‌های بسیاری را متحمل می‌شوند که مهم‌ترین این مسئولیت‌ها تأمین معاش و اقتصاد خانواده است، موضوعی که به تنهایی بزرگترین چالش پیش‌روی جوانان در حال حاضر است؛ حال تصور کنید یک کودک نه تنها باید مخارج خود، بلکه یک خانواده را بر دوش کشد! این وظیفه سنگین در اکثر اوقات آنها را بر این می‌دارد که به مشاغل کاذب رو آورند چرا که از طرفی مهارت و تحصیلات لازم برای گرفتن شغلی ثابت را ندارند و از طرف دیگر با شغل کاذب می‌توانند در مدت زمان کوتاه تری، به حداقل درآمدی برسند که بتوان با آن مخارجشان را تأمین کنند. ضمناً کم‌سن و سال بودن زوجین، احتمال بهبود شرایط و کیفیت زندگی خانواده را کم می‌کند چرا که از یک طرف فرصتی برای فراگرفتن مهارت‌های اساسی یک زندگی مستقل را پیدا نکرده‌اند و تجربه‌ی اندکی در مواجهه با مشکلات کسب کرده‌اند و با وجود اینکه مهم‌ترین علت چنین ازدواج‌هایی فرار از فقر است؛ ناآگاهانه فقر باقی می‌ماند و به نسل بعد نیز منتقل خواهد شد؛ به عبارتی تشکیل خانواده در قالب کودک همسری نه تنها هیچ هدف و تدبیری ندارد بلکه باعث می‌شود، چرخه‌ای از آسیب به وجود آید و فشار مضاعفی بر جامعه وارد شود. کودک همسری عواقبی چون کودک بیوگی و کودک سرپرستی را نیز به همراه دارد که با فقر در ارتباط مستقیم است؛ و این یعنی فاجعه‌ای که در حال رخداد است. کودکانی را تصور کنید که با فقر دست به گریبان هستند، اولین اثر سوء آن را می‌توان عدم امنیت غذایی عنوان کرد. کودکان فقیر دچار ناامنی غذایی هستند و ناامنی غذایی منجر به سوء تغذیه و در پی آن تضعیف سیستم ایمنی بدن و کاهش توانایی‌های جسمی و ذهنی فرد می‌شود. عدم امنیت غذایی در کودکان سیکلی تشکیل می‌دهد

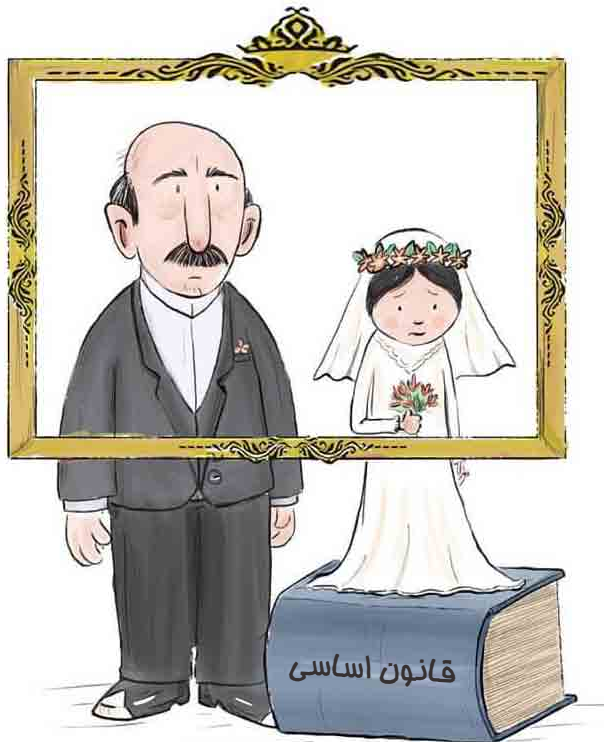


یک پنجره برای من کافیست  
من از دیوار عروسک‌ها می‌آیم  
از زیر سایه‌های درختان کاغذی

فروغ فرخزاد

## نگاه‌های رو به قانون در ازدواج کودکان

زهرا عباسی - علوم و صنایع غذایی ۹۵



طرح از ناهید زواهری

مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است. در سال ۱۳۱۳ ازدواج زیر سن قانونی با احراز مصلحت و اجازه دادگاه همراه بود. در سال ۱۳۵۳ ازدواج زیر سن قانونی ممنوع بود، اما استثنائی برای دختران قائل شده بود. به این صورت که اگر سن دختر به ۱۵ سال تمام رسیده باشد و استعداد روحی و جسمی برای زندگی زناشویی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه ممکن است معافیت از شرط سنی اعطا شود. ازدواج زیر ۱۵ سال طبق قوانین قبل از انقلاب مطلقاً ممنوع بود. در این قانون هیچ استثنائی برای پسران زیر سن قانونی قائل نشده بود. در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ با بازگشت فقه اسلامی به ایران ازدواج زیر سن قانونی با اجازه و تشخیص مصلحت به مهر تأیید رسید. این اقدام انتقادات زیادی را به دنبال داشت. طبیعتاً تشخیص مصلحت صرفاً توسط ولی کودک گاه‌ها زمینه را برای سوء استفاده ی کودک فراهم میکند و راه را برای فروش دختران به وسیله اولیاء فاقد صلاحیت به نام مهر و نکاح باز می گذاشت. در سال ۱۳۷۹ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی توسط مجلس شورای اسلامی اصلاح اما با مخالفت شورای نگهبان رو به رو شد، زیرا آن را مغایر با شرع می دانستند. بنابراین بررسی نهایی این ماده به مجلس تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد که نتیجه آن قانون فعلی است.

وقتی صحبت از ازدواج کودک می شود و به دنبال آن راجع به سن کودکان درگیر در این آسیب بحث می شود ناخود آگاه ذهن ما به سمت این سؤال سوق پیدا می کند که سن قانونی ازدواج در ایران چه سنی است؟ چطور ازدواج هایی زیر سن قانونی اتفاق می افتد؟

حداقل سن قانونی ازدواج در ایران اکنون ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران است. قبل از پیروزی انقلاب و در سال ۱۳۱۳ مطابق ماده ۱۰۴۱ سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال بود. این ماده در سال ۱۳۵۳ تغییر یافت و سن قانونی ازدواج به ۱۸ سال برای دختران و ۲۰ سال برای پسران افزایش پیدا کرد. پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۱ قانون گذاران سن ازدواج را به ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران کاهش می دهند. ماده ۱۰۴۱ با وجود تمام انتقاداتی که به آن وارد شد، تا سال ۱۳۸۱ تغییر نیافت. در سال ۱۳۷۹ با اقدامات پیگیران حقوق کودکان و چند تن از مراجع تقلید مثل صانعی و بروجردی اصلاحیه ای انجام شد و نهایتاً در سال ۱۳۸۱ این ماده تغییر و سن قانونی ازدواج به ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران رسید. لازم به ذکر است که در کنوانسیون حمایت از حقوق کودک که ایران هم جزء امضاکنندگان شرطی این پیمان نامه است، کلیه افراد زیر ۱۸ سال را کودک و غیربالغ تشخیص داده است و بر همین مبنا برخی حقوقدانان و فعالان اجتماعی بر این نظرند که در ایران باید سن ازدواج به ۱۸ سال برای دختران و پسران برسد.

**و اما به نظر شما وضع قانون جدید و بالا بردن سن قانونی ازدواج به تنهایی می تواند عاملی باشد برای کاهش آمار ازدواج کودکان؟**

ما امروزه شاهد ازدواج هایی زیر سن قانونی هستیم. ازدواج هایی که یا به طور غیررسمی و بدون ثبت در دفاتر ازدواج و یا به طور رسمی و همراه با ثبت صورت گرفته است. آن دسته از ازدواج هایی که غیررسمی اند، از طریق خواندن صیغه ازدواج موقت انجام می شوند و ازدواج دائم و همراه با ثبت در دفاتر رسمی وقتی صورت می گیرد که کودک به سن قانونی رسیده باشد. ازدواج موقت علاوه بر اینکه آماری به خاطر ثبت نشدنش در دست نیست، راهی برای دور زدن و بی اثر کردن هر قانونی در خصوص سن ازدواج شده است. کما اینکه ازدواج موقت با در نظر نگرفتن نفقه و ارث برای زن می تواند بسیار مشکل آفرین باشد.

**و اما چگونه ازدواج هایی زیر سن قانونی به طور رسمی صورت می گیرد؟**

در حال حاضر عقد نکاح دختر قبل از ۱۳ و پسر قبل از ۱۵ سال شمسی منوط به اذن ولی به شرط رعایت



## بررسی شروط ازدواج زیر سن قانونی در زمان حاضر

نشود که دختر تصور کند که تنها برای همسر و مادر شدن آفریده شده و فراموش کند که در عالم هستی، او به جز این وظایف و وظایف دیگری نیز دارد. بنابراین دلایل و عوامل موجه مصلحت باید به اندازه کافی قوی و مؤثر باشند.

### پناه دادگاه تا چه اندازه میتواند امن باشد؟

بعد از تعاریفی که از مصلحت شد به سراغ محدوده اختیارات دادگاه می رویم. باید گفت دادگاه صرفاً با ملاحظه وضعیت جسمانی کودک و کسب آگاهی از دلایل ازدواج به وسیله ولی اجازه ازدواج را صادر می کند بدون این که طرف عقد نکاح، شرایط عقد و مقدار مهر مورد توجه و بازرسی قرار گیرد. به گفته خانم ذوالقدر رئیس فراکسیون زنان مجلس در خیلی از دادگاه ها دقت نمی شود که کودک به بلوغ عقلی رسیده است یا نه و صرفاً بلوغ جسمی مهم تلقی می شود. در اینجا مراجع قانونی و قضایی مثل پزشکی قانونی می توانند مدارکی گواه بر این که کودک به بلوغ عقلی رسیده است یا نه ارائه دهند اما متأسفانه باید گفت که پزشکی قانونی به این مسأله با سوالات بسیار ساده و ابتدایی مثل این که «آیا از قیمت اجناس اطلاع دارید» یا «قیمت فلان کالا چقدر است» رسیدگی میکند!!!

در کل باید گفت، احراز قابلیت جسمانی کودک برای ازدواج ممکن است از ضرر رسیدن به کودک جلوگیری کند ولی برای کودک فاقد مصلحت باشد و یا این که شاید اصل ازدواج برای کودک با مصلحت کودک مغایرت نداشته باشد ولی ازدواج او با شخص مقابل و یا شرایط ضمن عقد و یا حتی مهریه به مصلحت او نباشد و این جا تحقیق و تفحص دادگاه در مورد شخصیت و اوصاف طرف مقابل کودک، امور مالی و غیر مالی ازدواج واقعاً لازم و ضروری است که متأسفانه باز هم دادگاه آن را مورد بررسی قرار نمی دهد. بحث مهم دیگر هم کف بودن است. در حقوق ایران هم کف بودن از شرایط صحت نکاح نیست و صرفاً کفر از موانع صحت آن است ولی با این وجود در مسأله ازدواج کودک که ولی باید مصلحت کودک را اثبات کند هم کف بودن در امور اقتصادی، اجتماعی، ظاهری و جنسی باید از لوازم مصلحت باشد. که در این جا هر چند مصلحت و کفایت در ازدواج کودک رعایت شود، باز هم ازدواج کودک اغلب به صلاح او نیست؛

زیرا کودک باید بدون گذراندن دوران کودکی پا به دنیای زناشویی بگذارد که این مسأله اصلاً قابل هضم نیست.

اصولاً تصمیم گیری برای آینده یک انسان کار ناشایستی است و بهترین کمک در مورد تصمیم گیری برای آینده کمک مشورتی است. این در حالی است که کودک نه می تواند تصمیم درستی بگیرد و نه می تواند از مشورت استفاده کند. اصلاح قانون و وضع قانون جدید نیز تا وقتی مسأله فقر اقتصادی، فرهنگ سازی و آموزش در حواشی شهرها و روستاها حل نشود، چاره ساز نخواهد بود و این امر نیاز همکاری همه ما دارد!

شرط اول، همان طور که گفته شد اذن ولی است که باید با رعایت شرط دوم که رعایت مصلحت کودک است، همراه باشد و شرط سوم و آخر این است که این مصلحت باید به تشخیص و تأیید دادگاه خانواده برسد تا مجوز ازدواج کودک صادر شود. در میان این شروط، شرط سوم بیشترین توجه را به خود جلب می کند. دادگاه تا چه حد می تواند در این امر دخالت داشته باشد و تا چه اندازه می تواند حقوق کودک را تأمین کند؟ مصلحتی که دادگاه باید آن را تشخیص دهد و تأیید کند چیست؟ در ابتدا راجع به مصلحت در ازدواج کودک بحث می کنیم. مصلحت در ازدواج کودک به این معناست که ازدواج برای کودک سود و منفعت داشته باشد. در واقع مفهوم مصلحت در ازدواج کودک شامل دفع ضرر و کسب سود و منفعت است. این در حالی است که ظاهراً مشهور فقها ازدواج ولایی به را به شرط نداشتن ضرر جایز کرده اند و رعایت مصلحت کودک را لازم ندانسته اند، که در اینجا قانون گذار نداشتن ضرر برای ازدواج کودک را کافی ندانسته و رعایت مصلحت را جزء شروط می آورد.

### اگر مصلحت در ازدواج، سود بردن از آن است؛ این سود در چیست؟

مصلحت باید در راستای تحقق اهداف ازدواج باشد. اگر سود و منفعت ازدواج را در کسب آرامش روحی، کسب مودت و محبت، ارضای غریزه جنسی، ایجاد انس و الفت بباییم، آیا واقعاً یک کودک در سنین کودکی و قبل از بلوغ، از لحاظ روحی و جسمی به این منافع حاصل از ازدواج نیاز دارد؟ این مسأله همانند این است که به یک نوزاد تازه متولد شده یک پرس غذایی کامل بدهیم؛ صرف نظر از این که این غذا سود و منفعت زیادی هم دارد، آیا نوزاد قابلیت هضم و استفاده از این غذای پرسود را دارد؟

### مصلحت یا در بند عرف افتادن

مصلحت به عرف منطقه هم باز می گردد. این یک حقیقت غیر قابل انکار است که سن ازدواج در بین خانواده های سنتی و عشایر خیلی کم است و این نه تنها بد نیست بلکه آمار طلاق هم در بین این ازدواج ها به نسبت کم است. هر چند جامعه نباید صرف این که عرف در روستاها و جوامع کوچک، ازدواج در سنین پایین را تأیید می کند بار مسئولیت را از دوش بردارد. در این جوامع قطعاً دختران و پسرانی هستند که ضمن این که ازدواج را امری ضروری در زندگی می دانند، تمایل دارند در دیگر مسیرهای موجود در زندگی قدم بردارند، مثل ادامه تحصیل، به دست آوردن موقعیت شغلی و اجتماعی مناسب، که غالباً ازدواج این کودکان و نوجوانان آن ها را از قدم نهادن در این مسیرها و می دارد.

ازدواج در بعضی از روستاها و شهرهای کوچک به جای این که یک مسیر و گزینه تلقی شود، به تنها گزینه و ممتاز ترین راه برای ادامه زندگی برای کودکان و نوجوانان (مخصوصاً دختران) تبدیل شده است. ازدواج به شرطی ممتاز ترین راه تلقی می شود که مانع از ادامه تحصیل و پیشرفت در راه های دیگر نشود. ضمناً باعث



## اولین مرحله در جلوگیری از ازدواج کودکان اصلاح قانون است ...

مصاحبه با کامیل احمدی - مردم شناس و پژوهشگر در مسائل اجتماعی

نویسنده کتاب های به نام سنت - پژوهش جامعی بر باب ختنه زنان در ایران / ۱۳۹۵ / نشر شیرازه

طنین سکوت - پژوهش جامعی بر باب ازدواج کودکان در ایران / ۱۳۹۶ / نشر شیرازه

پارسا حقیقی نایینی - برق ۹۵

### چند سال است که در حوزه ازدواج کودکان فعالیت می کنید و تا به حال چه فعالیت هایی در این زمینه داشته اید؟

من قبل از این که در حوزه ازدواج کودکان، فعالیت کنم؛ در مورد مسائل جنسیت به خصوص زنان و کودکان، کار می کردم. معمولاً کارهای تحقیقاتی من به صورت زنجیروار به هم متصل اند. به طور مثال قبل از این پروژه، برای سالیان متعدد روی پدیده ختنه زنان در ایران کار می کردم. در مدت زمانی که روی این پروژه کار می کردم، متوجه شدم بچه های زیادی در سنین خیلی پایین داخل این روستاها ازدواج کرده اند. این باعث شد به مقوله ازدواج کودکان حساس شوم و به مسائلی از قبیل جمع آوری برخی مطالب، نوشته ها، کارهایی که قبلاً انجام شده بود و مشاهداتی که در جامعه روستایی داشتیم، توجه کردم. این باعث شد به مدت دو سال و اندی روی موضوع ازدواج کودکان وقت بگذارم و برای اولین بار در ایران یک کار میدانی در سطح کشوری، جامع تر از آنچه در گذشته اتفاق افتاده بود، انجام دهم.

### روند کلی کار شما در پژوهش جامعی که تحت عنوان طنین سکوت منتشر کردید چگونه بود؟ در این راه با چه مشکلاتی روبرو شدید؟

در مردم شناسی کارها بیشتر حالت عمقی میدانی دارد و سنگینی کار نیز بیشتر روی کار میدان و جامعه هدف است. به این معنا که در مردم شناسی نوین، محقق بیشترین وقت و زمان خود را برای پیدا کردن عوامل و دلایل و نشانه های موضوعات داخل خود اجتماع صرف می کند. کار کردن با جامعه هدف، به خاطر مسائل بومی و فرهنگی و حساسیت های قومی و مذهبی که وجود دارد، سخت است. به عنوان مثال محقق زمان زیادی از مصاحبه را باید برای جلب اعتماد طرف مقابل صرف کند. بحث لژستیک این تحقیقات خیلی سخت است چون باید سفرهای زیادی کرد و روزها و شب های زیادی را در میدان کار گذراند. برای کار کردن در این وسعت، باید یک تیم از آقایان و خانم ها داشته باشید که این ها خودشان آموزش می خواهند و زمان زیادی را باید برای نظارت بر آن ها گذرانند که این بر سختی کار می افزاید.

### وقتی صحبت از ازدواج کودکان می شود. منظور چه سنی است؟

سن قانونی ازدواج در دنیا سن ۱۸ سالگی انتخاب شده است که سن رای، بلوغ عقلی و تکلف قانونی است و در واقع سن به رسمیت شناختن شخص در

دیدگاه قانون در مورد بزهکاری و جنایت است. این سن شناخته شده و رایجی است که در اکثر کشورهای جهان طبق قوانین بین المللی پذیرفته شده است به جز کشورهای معدودی که ایران هم جزء آن هاست.

### میزان و آمار ازدواج در نواحی مختلف ایران چگونه است و در چه استان هایی بیشتر مشاهده می شود؟

آمار ها کاملاً متغیراند، زمانی که این پروژه را شروع کردم طبق آمارهای رسمی آن زمان، ۷ استان را به ترتیب از بالاترین انتخاب کردم. که خراسان رضوی در اولویت قرار داشت و بعد از آن آذربایجان شرقی و همین طور استان به استان پایین می آمد تا به استان اصفهان و هرمزگان می رسید. طبق آمار امسال استان زنجان در رتبه اول این لیست قرار دارد.

### چه تفاوتی در نگاه عامه مردم در بین جوامع شهری و جوامع روستایی درباره این موضوع وجود دارد؟

این گسستگی که بین شهرهای بزرگ و روستاها وجود دارد به خاطر سنت هایی است که بیشتر در روستاها دیده می شود. اجتماع خیلی کوچکتر است و حساسیت های قومی و فرهنگی در آن جا بیشتر به چشم می آید. همچنین عدم دسترسی به امکانات آموزشی باعث می شود در این جوامع دختر را زود به سمت ازدواج هول بدهند. مسئله دیگری که وجود دارد این است که به قول محلی ها تا دختر چشم و گوشش باز نشده و برای اینکه وارد ارتباطات خارج از ازدواج با پسرها در آن جامعه های سنتی نشود، به دختر فشار می آورند که در سنین پایین ازدواج کند. بعضی خانواده ها برای اینکه پسرشان از جامعه روستایی کنده نشود و به شهرها مهاجرت نکند و نزدیک خودشان زندگی کند؛ بعد از سربازی آن ها را هول می دهند داخل ازدواج و حتی قبل تر، آن ها را نامزد می کنند. همچنین طبق سنت دیگری که رایج است، بچه ها را در سنین خیلی پایین نامزد می کنند و به قول محلی ناف بر یا اسم بر می کنند یعنی دو خانواده می نشینند و دختر و پسرشان را به نام یکدیگر می کنند و بعدها به خاطر فشاری که بر آن ها وارد است مجبور می شوند سریعاً وارد ازدواج بشوند. این مسئله در شهرها برعکس عمل می کند به صورتی که سن ازدواج در جوامع شهری بالا رفته که دلیل آن وفور امکاناتی است که در شهرها وجود دارد و فضای اجتماعی خیلی بازتر است و دخترها و پسرها می توانند مداولة اجتماعی بازتری داشته باشند و باعث شده تمایل به ازدواج کاهش یابد. از دلایل دیگر، مشکلات اقتصادی و نبود اشتغال است. همچنین گرانی مخارج ازدواج و ترس جوانان از قوانینی که حس می کنند



جامعه مدنی به ۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر بالا رفت؛ اتفاق دیگری تاکنون وجود نداشته است. خوشبختانه در یک سال اخیر فراکسیون زنان مجلس به ریاست خانم پروانه سلحشوری روی موضوع ازدواج کودکان خیلی پر تلاش کار می کند و جلسات متعددی را با مراجع تقلید ترتیب داده اند. در سطح قانون گذاری در سطح لابی کردن و در پس و پیش موضوع با کسانی که می توانند دخیل باشند، صحبت شده است. متأسفانه با این همه تلاشی که شده در اواخر سال گذشته از طرف مرکز پژوهش های مجلس با طرح افزایش سن ازدواج مخالفت شد. به نظر می آید عده ای سرسختانه با آن مقابله می کنند. چه بسا این اتفاق خواهد افتاد به نسبت فشارهایی که وجود دارد و به نسبت افزایش آگاهی های جامعه مدنی که در این باره پیدا کرده و همچنین بخاطر فشارهای خارجی که روی ایران اعمال خواهد شد. چون ایران امضا کننده بسیاری از کنوانسیون های بین المللی است که ناقض قانونی است که در حال حاضر در کشور وجود دارد.

### در پژوهشی که انجام دادید، در متون اسلامی بخصوص قرآن به چه نکاتی در باب ازدواج کودکان و محدودیت سنی برای ازدواج برخوردید؟

در هیچ جای قرآن هیچ آیه ای را نمی بینید که درباره سن ازدواج صحبت کرده باشد. هر آنچه در مورد سن ازدواج وجود دارد توسط امامان و شخصیت های مذهبی بعد از پیامبر نقل شده است. با این حال توصیه های متعددی از طرف شخصیت های مذهبی به پدرها و مادرها می شود که دختر نباید قاعدگی اول خود را داخل خانه پدر بگذراند و به محض اینکه وارد این چرخه بشود مستحب است که دختر را شوهر بدهند. خیلی ها برای مشیت بخشیدن به ازدواج در سنین پایین استناد می کنند به اینکه همسران پیامبر و امامان از ۹ سال به بزرگتر بوده اند. نمونه بارز آن درباره عایشه همسر پیامبر است که در ۹ سالگی ازدواج کرده و حضرت فاطمه دختر پیامبر که در سنین پایین به عقد حضرت علی در آمده است. مخالفان آن ها هم استناد می کنند به اینکه آب و هوای گرمی که در آن زمان در عربستان وجود داشته است، باعث رشد بیشتر دختر شده است که این مسئله دیگر نمی تواند مصداق داشته باشد.

### ازدواج در سنین پایین، چه اثرات و آسیب هایی برای کودک به دنبال دارد؟

وقتی دختر و پسر بچه ای که به بلوغ فکری، بلوغ عقلی، بلوغ جسمی و فیزیکی نرسیده است را وارد روابط زناشویی و جنسی می کنند، فشار بسیار زیادی معمولاً بر دختر بچه وارد می کند که این ممکن است طبق قوانین بین المللی در بعضی جوامع یک نوع سوء استفاده جنسی القا بشود. فشار و

در ازدواج وجود دارد همچون طلاق، مهریه و عواقب قانونی آن که باعث می شود سن ازدواج در جوامع شهری بالا برود.

### به نظر شما مردسالاری در جامعه سنتی ایران چقدر در این زمینه دخیل بوده است؟

مردسالاری قوه محرکه چرخاندن این موضوع است. در ازدواج ها این مردها هستند که در نهایت برای سرنوشت بچه هایشان تصمیم می گیرند. مردها در چارچوب عشیرتی و طایفه ای برای استحکام و همبستگی هر چه بیشتر آن خانواده، دختر را به نزدیکان خود می دهند. که این یک تفکر کاملاً تاریخی است. در جوامع مدنی مختلف، برای تشکیل قدرت واحدتر از ازدواج ها این استفاده را می کردند. در این ازدواج ها نقش زنان را هم نمی توان نادیده گرفت که بخاطر یکسری سیاست های خانوادگی مرد یا بزرگ خانواده را راضی می کنند. از طرف دیگر، تغییراتی در این جامعه سنتی رو به مدرن اتفاق افتاده است که خود بچه ها مشوق و هول دهنده این ازدواج ها هستند. به این معنا که در سنین خیلی کم ممکن است عاشق شوند و روی ازدواج کردن پافشاری کنند.

### تا به حال چه اقداماتی در جهت افزایش سن ازدواج انجام شده است؟ چرا این تلاش ها عمدتاً به شکست منتهی شده اند؟

از اوایل انقلاب که سن ازدواج از ۲۰ سال برای پسران و ۱۸ سال برای دختر، یک دفعه به ۹ سال و ۱۳ سال تقلیل یافت و بعد ها در سال ۶۷ که تحت فشار



بسیار موثر باشند. همچنین می توان از رهبران اجتماعی که در سطح اجتماع قدرت بالقوه ای دارند همچون رؤسای یک طایفه و افرادی که در سطح محلی یا سلبیرتی هایی که قدرت مانور اجتماعی و طرفداران زیادی دارند، کمک گرفت.

**در چند سال اخیر، خصوصاً با افزایش شبکه های اجتماعی مردم نسبت به موضوعات اجتماعی علی الخصوص ازدواج کودکان حساسیت بیشتری نشان می دهند. از جمله واکنش های متفاوتی که به سریال نوروزی پایتخت و مطرح شدن موضوع خواستگاری از دو کودک در آن شکل گرفت. نظر شما درباره ی مطرح شدن موضوع ازدواج کودکان در این سریال چیست؟**

مطرح شدن موضوع ازدواج کودکان در این سریال یک اشتباه بود؛ حتی اگر غیر عمد انجام شده باشد. اگرچه کارگردان این سریال این موضوع را تکذیب کرد و علیه ازدواج کودکان صحبت کرد. طرح این موضوع در سریالی که میلیون ها بیننده دارد، باید با حساسیت بیشتری انجام می گرفت. اگر این کارگردان نیتش این بود و سهواً این کار را انجام نمی داد، می بایست به خوبی از این سریال استفاده می کرد و خیلی بهتر و مشخص تر درباره ازدواج کودکان و در نكوهش آن صحبت می کرد، نه اینکه موضوع در سریال صرفاً مطرح شود. اگر این موضوع به عمد انجام شده باشد دنباله رو بعضی از برنامه های تلویزیونی و تاک شوهای مبلغان مذهبی در صداوسیما است که خانواده ها را ترغیب می کنند فرزندانشان را در مقطع راهنمایی و دبیرستان به ازدواج درآورند. اگر به گفته خود کارگردان در جهت روشنگری جامعه طرح شده باشد، شیوه طرح موضوع و فاصله ای که بین زمانی که خواستگاری انجام می شود و پیغامی که می تواند برای مخاطب داشته باشد، همخوانی ندارد. واکنشی که افکار عمومی و جامعه مدنی نشان دادند بسیار درخور توجه بود و خوشحالی داشت. مردم روی این موضوع خیلی حساس بودند و خیلی هشیارانه عمل کردند و انتقادهایشان کاملاً به جا و درست بود.

ایجاد رابطه جنسی زودرس بخاطر اینکه بدن دختر به آن شکل لازمه نرسیده است، عوارض عدیده ای را تا آخر عمر برای فرد باقی می گذارد و از نظر روانی نیز فشار زیادی بر وی وارد می کند. بچه ای که وارد ازدواج می شود، یک دفعه با کوله باری از مسئولیت ها روبرو می شود و باید وظایف یک خانواده را بر دوش بکشد. این برای هر دو خیلی سخت است که به تمام جوانب رسیدگی کنند و در این سن پایین این همه فشارهای جسمی برای کارهای خانه، آشپزی، بچه داری و تامین معاش و درآمد خانواده را متحمل شوند. در این ازدواج ها دختر بیشترین ضربه را متحمل می شود، از این جهت که علاوه بر اینکه باید این فشارهای جنسی را متحمل شود، به سرعت هم باید بچه دار شود. چون در اجتماع از وی انتظار می رود در همان سال های اول بچه بیاورد. در صورتی که بدن، رحم و شکم در این سن هنوز رشد کافی برای نگهداری بچه در دوران حاملگی نه ماهه نکرده است و در وضع حمل امکان مرگ و میر مادر بالا می رود. از نظر دیگر، با این ازدواج تمام شانس های شغلی و تحصیلی این دو جوان گرفته می شود. دختر بچه در این جوامع به محض اینکه ازدواج کند، اجازه بازگشت به مدرسه و ادامه تحصیل به وی داده نمی شود و این دوباره یک چرخه معیوب بی سواد را ایجاد می کند و بچه ای که داخل این خانواده متولد می شود، طبیعتاً پدرها و مادرها با همان نگاهی که بر زندگی خود داشتند بر زندگی بچه های خود خواهند داشت و آن ها را وارد ازدواج های زودرس می کنند.

### به طور کلی به نظر شما ازدواج کودکان در حال کاهش هست یا افزایش؟

خوشبختانه روند ازدواج کودکان در تمام دنیا در حال کاهش است ولی این روند به کندی انجام می گیرد. این موضوع بخاطر اینکه جامعه سنتی رو به مدرنیته است و سن ازدواج در حال افزایش است، در حال از بین رفتن است. ولی هنوز در جوامع روستایی و حومه شهرها و خانواده های فقیر این مسئله وجود دارد. در نهایت این ازدواجی است که کاملاً وجه قانونی دارد و قانون از آن حمایت می کند و چه بسا در صداوسیما و در برنامه های مختلف به اشکال گوناگون، این مسئله تبلیغ می شود که جای تأسف دارد.

### توصیه های شما برای اقدامات پیشگیرانه و آگاهی بخش در این باره چیست؟

در مرحله اول قوانین موجود باید اصلاح شود، چون تا موضوعی به قانون تبدیل نشود؛ وجاهت قانونی و پاسخگویی از طرف جامعه را به دنبال نخواهد داشت. این به تنهایی کافی نیست مگر آن که بسترهای اجتماعی آن ایجاد شود. تبلیغ در جهت نشان دادن مضرات آن در وهله اول، آگاهی بخشیدن به پدرها و مادرها و آموزش کودکان در سطح مدارس و کمک گرفتن از توان بالقوه نیروهای مذهبی که قوانین و فتاوی را در مورد تغییر روندی که در قانون وجود دارد (که برگرفته از شرع هست) صادر کنند. در جهت افزایش سن ازدواج مبلغان و رهبران دینی می توانند





محمدحسین فروردین - برق ۹۳

بر چه مبنایی باید قانون را وضع کند؟ آن چه به نظر می رسد با توجه به ساختار حکومتی کشور سه نظر برای این امر وجود دارد: ۱- نظر فقها برای تعیین حداقل سن ازدواج با توجه به برداشت های فقهی از متون دینی (منظور دین اسلام و مذهب تشیع به عنوان دین و مذهب رسمی کشور است) ۲- نظر کارشناسان حوزه های مختلف نظیر روانشناسی، جامعه شناسی، پزشکی و ... با توجه به در نظر گرفتن شرایط موجود در جامعه ۳- نظر نهاد های بین المللی با توجه به در نظر گرفتن شرایط حاکم در جامعه جهانی (از طریق وضع قوانین و معاهده های مختلف نظیر کنوانسیون حقوق کودک)

اکنون به بررسی سه نظر فوق خواهیم پرداخت: اسلام حداقل سن ازدواج با تمام شرایط را همان سن بلوغ تعیین کرده ولی محدودیتی برای عقد مشخص نکرده است. لذا دختران قبل از سن بلوغ با اجازه و مصلحت ولی قادر به ازدواج هستند ولی اجازه نزدیکی و رابطه جنسی ندارند. به عنوان مثال در مسأله ۲۴۱۰ رساله امام خمینی ذکر شده: «اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آنکه نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کند، چنانچه او را افضا نماید هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند.» که نشان دهنده این است که عقد با دختر نابالغ مسأله ای تعریف شده و بلا اشکال است منتها با وجود محدودیت های خاص خود. آن چه در این جا مهم است این سؤال است



#### مقدمه

پیشتر در اکثر جوامع و علی الخصوص در کشورهای اسلامی بحث ازدواج کودکان (و نوجوانان) محلی از اعراب نداشت؛ حتی در کمتر از صد سال گذشته ازدواج دختران ۹ تا ۱۵ سال در ایران نه تنها امری جایز و بدون اشکال تلقی می شد بلکه والدین آن را موجب رشد و سعادت فرزندان می دیدند. نکته حائز اهمیت این است که به دلایل اجتماعی، همان ازدواج ها از پایداری زیادی برخوردار بودند لکن عمدتاً نام گذاری ازدواج بر رابطه هایی که در گذشته بین یک زن و مرد برقرار بوده، بدنام سازی مقوله ازدواج است! آن جا که دختری ۹ ساله (حتی با وجود اینکه شرعاً به سن نکاح رسیده است) بدون طی کردن دوران کودکی به عقد دیگری در می آید؛ حتی چنان هردو نفر مشغول امورات روزمره زندگی آن زمان بودند که فکر طلاق به دورترین خانه های ذهن آن ها هم خطور نمی کرد که اگر هم می کرد با قبح بسیار زیادی از موضوع طلاق در جامعه و اطرافیان مواجه می شدند. در این مقاله با توجه به مطالب ذکر شده، به موضوع سن مناسب ازدواج برای وضع در قانون می پردازیم.

#### چه کسانی می توانند برای تعیین حداقل سن ازدواج تعیین تکلیف کنند؟

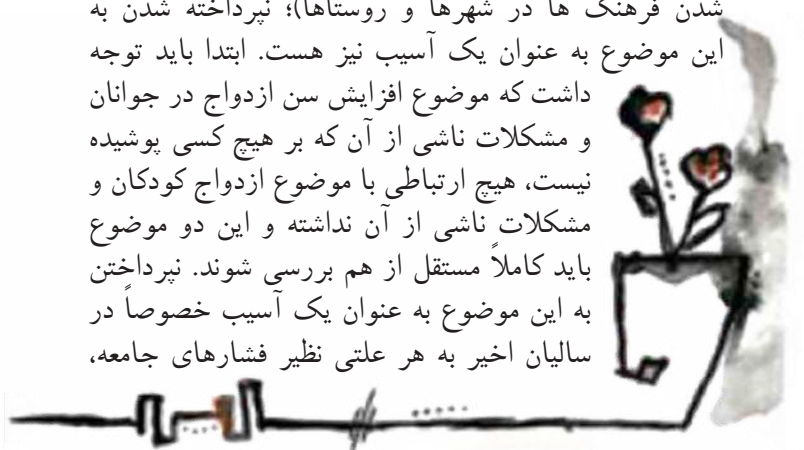
برای مشخص شدن حداقل سن مناسب ازدواج برای وضع در قانون باید ابتدا این موضوع بررسی شود که اصولاً چه کسانی (یا نهادهایی) باید این حداقل را مشخص نموده و به قولی برای جامعه تعیین تکلیف نمایند؟ (در واقع قانون گذار

فقها یا اندک پنداشتن آمار آن به دلیل نبود سیستم آمارگیری درست در این حوزه که بوده، تنها موجب قربانی شدن عده زیادی از دختران و پسران (و به خصوص دختران) شده است. و با توجه به فرهنگ متفاوت نسل جدید شاهد افزایش طلاق حتی در این ازدواج‌ها هستیم. (گرچه کم بودن آمار طلاق در اینگونه ازدواج‌ها نسبت به دیگر ازدواج‌ها اصلاً نشان دهنده بهتر بودن آنها نیست و شرایط موجود در خانواده‌ها و جامعه آنها تعیین کننده است.) این مسایل لزوم تعیین دقیق سن کودکی با توجه به شرایط کشور را می‌رساند که امیدواریم مجلس شورای اسلامی با همکاری کارشناسان داخل و خارج مجلس این مسأله را به دقت بررسی نماید. (در این میان تلاش فراکسیون زنان مجلس برای تغییر حداقل سن قابل تقدیر است) ضمناً قشر دانشجو می‌تواند علاوه بر آگاه سازی خود و اطرافیان، از طریق موسسات و NGO ها در حد توان از آسیب‌های آن برای جامعه جلوگیری نماید.

که آیا با توجه به تغییر شرایط حاکم بر جامعه و عرف مردم، هنوز فقه می‌تواند در تعیین حداقل سن ازدواج دخیل باشد؟ نظریه برخی فقها تأکید بر همان سن بلوغ است و برخی فقها به صورت کلی رسیدن به بلوغ فکری را نیز شرط کرده‌اند و حتی بعضی فقها با ذکر عدد، حداقل سن ازدواج را بالاتر برده‌اند. به نظر می‌رسد در نظر گرفتن شرایط جدید حاکم بر کشور با بررسی دقیق کارشناسان حوزه‌های مختلف و با نظر گرفتن شرایط کلی (اعم از جامعه شهری، روستایی، حاشیه نشینی و...) امکان پذیر است و در این مورد فقها به تنهایی قادر به بررسی و اظهار نظر نیستند. (همان گونه که آیت الله مکارم شیرازی عملاً این ازدواج‌ها در عصر و زمان را دارای مفاسد بسیار دانسته‌اند که نشان از بررسی خیلی کلی از شرایط جامعه است.) پس به طور خلاصه مشخص گردید تعیین حداقل سن برای ازدواج افراد، نیازمند بررسی دقیق در حوزه‌های مختلف و با در نظر شرایط گوناگون هر کشور باید صورت پذیرد. در مورد نظر سوم بیان شده یعنی پایبندی به معاهده‌هایی نظیر کنوانسیون حقوق کودک (که افراد قبل از ۱۸ سال را به عنوان کودک تلقی می‌کند.) باید به این نکته توجه کرد که هنوز جامعه ایران خصوصاً جامعه روستایی آمادگی پذیرش ممنوعیت ازدواج تا قبل از ۱۸ سالگی را ندارد. چه بسا وضع قوانین سلیبی برای جلوگیری از آن‌ها نه تنها مشکلات به مراتب بیشتری را ایجاد کند بلکه باعث ایجاد راه‌های دور زدن قانون و از بین رفتن دیتاها و آمارهای ازدواج نیز شود. اما از طرفی می‌توان پیش بینی کرد در آینده‌ای نه چندان دور علی‌الخصوص با رشد رسانه و ارتباطات، همه نقاط جهان به پیش بینی کنوانسیون حقوق کودک خواهند رسید و ناچاراً ازدواج قبل از ۱۸ سال با توجه به آسیب‌های زیادی که ایجاد خواهد کرد، ممنوع خواهد شد.

### نتیجه گیری

آن چیزی که باعث افزایش آمار ازدواج‌های کودکان و هم چنین افزایش طلاق در چنین ازدواج‌هایی در سال‌های اخیر شده است علاوه بر رشد رسانه‌ها، افزایش بیش از پیش حاشیه نشینی و فقر و تغییر فرهنگ جامعه (در واقع یکی شدن فرهنگ‌ها در شهرها و روستاها)؛ نپرداخته شدن به این موضوع به عنوان یک آسیب نیز هست. ابتدا باید توجه داشت که موضوع افزایش سن ازدواج در جوانان و مشکلات ناشی از آن که بر هیچ‌کسی پوشیده نیست، هیچ ارتباطی با موضوع ازدواج کودکان و مشکلات ناشی از آن نداشته و این دو موضوع باید کاملاً مستقل از هم بررسی شوند. نپرداختن به این موضوع به عنوان یک آسیب خصوصاً در سال‌های اخیر به هر علتی نظیر فشارهای جامعه،



# عروسی عروسک‌ها

زهرا شجاعی - نساجی ۹۵

پیشرفت هر جامعه ای از جنبه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به تربیت و آموزش افراد آن جامعه از دوران کودکی به ویژه از سنین پایین بستگی دارد ولی ترک تحصیل کودکان نیز اگر در پی ازدواج زودهنگام باشد آنان را از ویژگی های شخصیتی ای که به رشدشان و در نتیجه به رشد جامعه کمک می کند، بازمی دارد. همچنین این کاستی ها باعث تحمیل هزینه های سنگین، به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره وری درآمد و بهبود کیفیت زندگی، می شود. محرومیت از تحصیل می تواند برتحصیل فرزندان آنها نیز تاثیر بگذارد.

## آسیب به سلامت جنسی و حقوق باروری

دخترانی که در سنین پایین ازدواج می کنند، از لحاظ سلامت جنسی آسیب پذیر و در معرض انواع بیماری ها قرار می گیرند و از طرفی در بسیاری از نقاط جهان، دختران اطلاعاتشان در مورد تنظیم خانواده و پیشگیری از بارداری، پیشگیری از ایدز، سلامت جنسی و تولید مثل، اندک است. همچنین برخی از قوانین کشورها نیز به کودک اجازه نمی دهد که بدون اجازه والدین و همسر، قبل از ۱۸ سالگی از خدمات بهداشت باروری استفاده کند. در واقع، سن و جنس به عنوان مانعی در استفاده و اطلاع از خدمات بهداشت باروری و جنسی است. بنابراین نه تنها کودک نمی تواند با سن کم از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کند، بلکه اجازه ندارد در مورد چنین وسایلی نیز صحبت کند، زیرا در فرهنگ جامعه، این کار زشت و به عنوان یک قبح محسوب می شود. از این رو کودکان در خصوص استفاده جنسی و باروریشان فاقد اعتماد به نفس و آزادی بیان هستند و سلامت جنسی و باروری آن ها در معرض خطر است.

## مرگ و میر مادران و نوزادان

یکی از خطرناک ترین عواقب ازدواج زودهنگام، بارداری است. شواهد نشان می دهد که بارداری در طول چند سال اول بعد از بلوغ، زن را در معرض افزایش خطر سقط جنین، زایمان غیر طبیعی، خونریزی بعد از زایمان، فشارخون بالا و... قرار می دهد. البته علت مرگ، بیشتر ناشی از بارداری ناخواسته، زایمان های مکرر و رعایت نکردن اصول بهداشتی در حین عمل زایمان گزارش شده است. افزون بر این، بارداری و زایمان زودرس با مرگ نوزاد همراه است. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، نوزادانی که مادران آنها زیر بیست

کودکی را در خانه پدری جا می گذارند و به عقد مردی در می آیند که نه او را می شناسند و نه حتی می دانند معنی ازدواج چیست. لباس سفید را بر تن کرده و به سمت سیاهی ها می روند. به سمت راهی که نمی دانند در آخر به کجا ختم می شود. در دلشان فریادها دارند اما سکوت اختیار می کنند. به خیالشان می توانند همچنان به بازی هایشان ادامه دهند.

اما سرانجام این راه پرپیچ و خم چیست؟ سلامت جسمی و روحی کودکان چه می شود؟ آیا این ازدواج برای کودکان ضرری هم دارد؟ آیا کسی می تواند آینده این کودکان را تضمین کند؟ وضعیت تحصیلی کودکان به کجا کشیده خواهد شد؟ در ادامه سعی براین است تا گوشه ای از آسیب های ازدواج زود هنگام را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

## پیامدهای ازدواج زود هنگام بر سلامت کودکان

شاخص های ازدواج در نقاط مختلف جهان متفاوت است. متأسفانه به بهانه ها و توجیهات مختلف، ازدواج های زودهنگامی رخ می دهد. چنین ازدواج هایی اغلب اجباری و بدون رضایت طرفین منعقد می شود و بی گمان طفل یا نوجوان درگیر در این فرآیند قادر به درک گزینه ها و فرصت های بیشتر و بهره مندی از شرایط بهتر نیست.

ازدواج زودرس پیامدها و آثار منفی بسیاری بر سلامتی، رشد و حقوق کودکان از خود به جا می گذارد. این ازدواج، اغلب فرصت آموزش و تحصیل را از آن ها می گیرد و باعث می شود از لحاظ اجتماعی به نوعی منزوی شوند. همچنین آزارها و خشونت های جسمی، جنسی و روانی از سوی شوهران بر دختران در زمره بیشترین مخاطرات این پدیده ناگوار است. از این رو به برخی از این پیامدها به صورت تفصیلی می پردازیم.

## محرومیت از آموزش و تحصیل

آموزش در ارتقاء بینش و آگاهی کودکان نقش مهمی دارد، اما متأسفانه پدیده ازدواج زودرس عامل مؤثری در محرومیت از تحصیل و آموزش به شمار می رود. بدون شک آموزش، به رشد دانش و مهارت ها، توانایی اعتماد به نفس و قدرت تصمیم گیری، لذت بردن از ارتباطات مثبت و سالم و در نهایت یک انتخاب آگاهانه در مورد بهداشت و رفاه در زندگی کمک می کند.



باشد تا آماده ورود به زندگی مشترک با فرد بالغ دیگری شود. بنابراین افراد کم سن و سال که در عنفوان نوجوانی به سر می برند و از بلوغ ناقص برخوردار هستند، به دلیل عدم درک کامل معنای زندگی مشترک و عدم آمادگی جسمی و روحی روانی، با شکست و طلاق زودهنگام روبه رو خواهند بود. از دیگر آثار مخرب می توان به خیانت اشاره کرد. در ازدواج زود هنگام بدلیل ناقص بودن قدرت اختیار و انتخاب و همچنین عدم ثبات عاطفی طرفین، باگذشت زمان ممکن است به این عارضه دچار شوند و زندگی نا آرام و توأم از خیانت را برای خود، همسر و فرزندان رقم زنند.

سال هستند، ۵۰ درصد بیشتر از آن هایی که سن مادرانشان ۲۰ تا ۲۳ است، می میرند. نوزادان این مادران در معرض کمی وزن هنگام تولد و مرده زایی نیز قرار می گیرند که می تواند به علت های مختلفی مانند کمی سن مادر، عدم دسترسی و یا ضعف دسترسی به خدمات و مراقبت های بهداشتی اتفاق افتد؛ به ویژه مادرانی که در مناطق دورافتاده و روستایی زندگی می کنند، بیشتر با چنین خطراتی مواجه می شوند.

### خشونت و سوء استفاده

دخترانی که زودتر از سن قانونی ازدواج می کنند، بیشتر در معرض خشونت خانگی و سوء استفاده هستند، به گونه ای که سن، عدم آموزش، عدم مشارکت و تصمیم گیری در امور، می تواند آنها را بیشتر در معرض خشونت و سوء استفاده قرار دهد، که این خشونت تا بزرگسالی ادامه می یابد و تأثیر جدی بر روح و روان آنها می گذارد.

### آثار سوء روانی و عاطفی

یکی از تأثیرات مخرب و در عین حال کم توجه این آسیب، اثرات منفی ای است که بر روح و روان کودک از خود بر جای می گذارد. در واقع با چنین ازدواجی، کودک به نوعی از دوران کودکی خود فاصله گرفته و ارتباطش با خانواده و دوستانش قطع شده و فعالیتش محدود به امور خانه و بچه داری خواهد شد، لیکن ممکن است منجر به پیدایش افسردگی و اضطراب شود. از این رو کودکان به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، معمولاً فرار از خانه، خودکشی و یا کشتن همسر را انتخاب می کنند که بیشتر چنین اعمالی در زنانی مشهود است که با فقر مالی، آموزشی و مهارتی و عدم توازن قدرت، حمایت قانون و دیگر افراد را برای خود نمی یابند، لذا دست به چنین اقداماتی می زنند. حتی در مواردی که دختر از ازدواج همراه با خشونت فرار می کند و به خانه باز می گردد، ممکن است توسط والدین طرد و رانده شود و به عنوان یک همسر نا شایسته، مورد ضرب و شتم قرار گیرد.

### طلاق

داده های جامعه شناختی نشان می دهد که یکی از شاخص های مهم در امر ازدواج، رسیدن به بلوغ فکری و جسمی مناسب برای ساختن فردایی بهتر است، پارامتری که در ازدواج های زودهنگام به باد فراموشی سپرده می شود. بلوغ یکی از شرایط ازدواج است؛ به این معنا که فرد باید به درجه ای از رشد فکری، جسمی، روانی و اجتماعی رسیده





# چگونه ازدواج کودکان را متوقف کنیم؟

مریم رحیمی - ریاضی ۹۵

دهند که این یک سبقت تاریخی دارد و علت آن می تواند به خاطر ثروت یا قدرت باشد. آمار ازدواج کودکان زیر ۱۵ سال براساس آمارهای منتشر شده معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، پیش رسی ازدواج - نسبت مردان و زنانی که در سن کمتر از ۱۵ سالگی ازدواج می کنند - در سال ۱۳۹۲ به ترتیب برای مردان ۰.۴ درصد و برای زنان ۵.۴ درصد بوده است. این رقم با افزایش برای دختران در سال ۹۳ به ۵.۶ درصد رسیده است و در سالهای ۹۴ و ۹۵ نیز به ترتیب رقمی معادل ۵.۴ و ۵.۵ را نشان می دهد. این رقم در ۹ ماهه نخست سال ۹۵ برای پسران ۰.۵ درصد و برای دختران ۵.۵ درصد است.

آنچه ظاهراً از آمارهای انتشار یافته سازمان ثبت احوال در سال های اخیر بر می آید، افزایش تعداد ازدواج ثبت شده دختران و پسران سنین پایین است. به طوری که موجب شده در برخی از رسانه ها و خبرگزاری ها شاهد تحلیل هایی بر اساس این آمارها و منتسب کردن آنها به دختران و پسران سنین پایین به عنوان کودکان امروزی باشیم. در تبیین این افزایش باید اشاره کرد که حجم قابل توجهی از این آمارها به سال های گذشته مربوط بوده و به عنوان «ازدواج معوقه» در چند سال اخیر در حال ثبت می باشند. در این ازدواج های معوقه، زوجین ازدواج شرعی داشته اما آن را ثبت قانونی و رسمی نکرده اند و پس از گذشت سال ها از زندگی زناشویی خود به دلایل متفاوت از جمله بهره مندی از امکانات و تسهیلات اجتماعی نظیر دریافت یارانه، سهام عدالت، دریافت گذرنامه برای سفرهای زیارتی، دریافت وام ازدواج و... در سالهای اخیر اقدام به اثبات زوجیت و ثبت ازدواج خود نموده اند و سازمان ثبت احوال نیز برابر ماده ۳۲ قانون تکلیف دارد پس از انجام استعلام و اطمینان از عدم ثبت زوجیت آنان، ازدواجشان را در سند هویتی آنها ثبت نماید.

## راهکار های مقابله

پیچیدگی ازدواج کودکان، برنامه های هماهنگ سیاسی و قانونی اثرگذار در سطوح محلی، ملی و بین المللی را اجتناب

در مجامع علمی ایران، تا به حال موضوع ازدواج کودکان به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله سعی بر بررسی این موضوع از طریق تمرکز بر پیش زمینه فردی، وضعیت خانواده، سطح دینی خانواده، رسوم زناشویی، سطح قرار گرفتن در معرض پیام های پیشگیرانه از ازدواج کودکان، نگرش های جنسیتی خانواده و تصمیم گیری های فردی و تجربه ی خشونت علیه زنان در خانه شده است.

## مقدمه

جایگاه ازدواج کودکان در زنجیره نابرابری های جنسیتی جامعه تحت تاثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی و جنسی، هنجارهای جنسی ضمنی، کلیشه های جنسی، فشارهای اجتماعی، سختی های خانوادگی تداوم می یابد و تشدید می شود. تغییر این وضعیت نیازمند سیاست گذاری جدید و یافتن راهکارها و قبول هنجارهایی است که منجر به برابری جنسیتی می شود. ازدواج زود هنگام کودکان، علت و معلولی برای خشونت علیه کودکان محسوب می شود و هر نوع خشونت در جامعه، فقدان هنجار درست به شمار می آید. راهکارها برای مقابله با ازدواج کودکان، باید به گونه ای انعطاف پذیر باشد که در هر منطقه با هر نوع جغرافیا و فرهنگ، بتوان آن ها را پیاده سازی کرد و باید در نظر داشت هدف مقابله با ازدواج کودکان، زمانی محقق می شود که ارگان های حکومتی، مسئولان و مردم اطلاعات صحیح در این خصوص داشته باشند.

## تاثیرات ازدواج بر کودکان

ازدواج زود هنگام و ترک تحصیل واقعی هستند که تبدیل به نقطه پایانی برای فرصت پیشرفت در زندگی دختران خردسال می شوند. دلیل بنیادی چرایی ازدواج کودکان در جامعه سنتی ایران تداوم جهان بینی مردسالارانه است. در موارد ازدواج کودکان، دختران از اهمیت کمتری نسبت به نقش خودشان به عنوان زن ها دیده می شوند، در حالی که پسران با توجه به اینکه والدین خود را در آینده مراقبت خواهند کرد، ترجیح داده می شوند. اغلب نابرابری های جنسیتی را سنت های اجتماعی-فرهنگی و مذهب تایید می کند. ازدواج کودکان نیز اغلب برای تقویت روابط خانوادگی، روابط قبیله ای یا اتحاد سیاسی انجام می شود. خانواده ها در قالب طایفه ای، برای ایجاد همبستگی و اتحاد بیشتر، دختران را به نزدیکان خود می



## فرهنگ سازی در روستاها

این آسیب اجتماعی در روستاها غالباً ریشه‌ی فرهنگی دارد و فقر کمتر در این موضوع دخیل است. برای رفع این آسیب باید فرهنگ سازی مناسب انجام شود که تأثیرگذاری آن به مدت زمان زیادی نیاز دارد. در این خصوص برای نقش دانشجو در بهبود این زمینه می‌توان به نقش نهادهای دانشجویی از جمله بسیج دانشجویی اشاره کرد. این نهاد می‌تواند با برگزاری اردوهای جهادی در مناطق روستایی که بیشتر دچار این آسیب اجتماعی هستند و با برگزاری کلاس‌های آموزشی در جهت آگاه سازی با پیامدهای ازدواج زود هنگام به خانواده‌ها و بزرگان آن مناطق قدمی در جهت بهبود آن بردارد. هم چنین می‌توانند از دانشجویان برتر جهت تشویق نوجوانان به ادامه تحصیل و ایجاد انگیزه استفاده کنند. بازگ کردن مشکلات عدیده ازدواج زود هنگام توسط کسانی که خود با این مشکل مواجه شده‌اند میتواند مفید واقع شود. برای ازدواج آگاهانه می‌توان مشاوره‌های پیش از ازدواج و برگزاری آزمون و تست‌های مشاوره‌ای برای تشخیص صلاحیت ازدواج را به کار برد. مسئولان نهادهای دانشجویی با به کارگیری این اقدامات می‌توانند قدمی بزرگ در جهت بهبود این آسیب بردارند.

## فرهنگ سازی در شهرها

فقر عامل بیشتر این گونه ازدواج‌ها در شهرها و حاشیه‌ی آن است. برای رفع مشکل در بخش فرهنگ در شهرها و حاشیه‌های آن، مسئولان و نهادهای مدنی می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزش خانواده‌ها با موضوع پیامدهای ازدواج زود هنگام و نیز نصب پیام‌های تبلیغاتی در سطح شهر جهت آگاه سازی مردم استفاده کنند.

ضمناً می‌توان به قرارداد ایستگاه‌های مشاوره‌ای با این موضوع در سطح شهر نام برد و همچنین ارسال پیامک‌های مشاوره‌ای از طریق فضاها مجازی و تهیه و تنظیم بروشور و پخش آن بین مدارس جهت آگاه سازی با پیامدهای این آسیب می‌تواند مؤثر واقع شود.

ناپذیر می‌کند. از طرفی مجموعه‌ای از رویکردها در مورد ازدواج کودکان وجود دارد. برای ریشه کنی ازدواج کودکان، باید به طور دراز مدت مداخله انجام داد و مداخله باید همراه با توانمندسازی دختران، پویایی خانواده‌ها و جوامع، ایجاد دسترسی به خدمات و استقرار قوانین و سیاست‌های مناسب باشد.

## اقدامات دولت

لایحه حمایت از حقوق کودکان حدود شش سال پیش از سوی دولت به مجلس ارائه شده بود. اما رسیدگی به جزئیات آن در مجلس تازه آغاز شده است و هنوز ادامه دارد. این لایحه پس از بالا گرفتن بحث‌ها در مورد کودک‌آزاری در ایران در دستور کار مجلس قرار گرفت. از جمله وظیفه‌های سازمان بهزیستی ایران که از زیرمجموعه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، عرضه خدمات و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی این قشرها است.

انوشیروان محسنی بندپی، رئیس سازمان بهزیستی و معاون وزیر کار ایران اعلام کرد این سازمان «در صورت اطلاع» و با کمک قوه قضائیه از ازدواج کودکان جلوگیری می‌کند یا «آن فرد یا خانواده او را مجاب خواهد کرد که این کار انجام نگیرد». محسنی بندپی به خبرگزاری ایرنا گفت: «آمار دقیقی از کودک‌همسری در دست نیست، اما اگر جایی در این زمینه به ما اطلاع داده شود، با توجه به لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، می‌توانیم جلوی این کار را بگیریم». ثبت رسمی ازدواج یک قدم اساسی در مقابله با ازدواج زود هنگام کودکان است.

علاوه بر نقش‌هایی که برای دولت در این راستا، اشاره شد؛ دولت باید برای متصدیان ازدواج کودکان کیفرخواست مناسب در نظر گیرد و به اجبار کودکان به ازدواج، همانند یک جنایت پاسخ داده شود.

برنامه ریزی و پخش برنامه‌هایی در همین راستا در رسانه‌های جمعی می‌تواند مؤثر واقع شود. همچنین قرار گرفتن حقوق کودکان در سرفصل دروس مدرسه جهت آشنایی کودکان از دیگر اقداماتی است که دولت جهت بهبودسازی باید انجام دهد.

## چگونه فرهنگ سازی کنیم؟

تمایل حکومت به تنهایی، برای مبارزه با کودک همسری کافی نیست. هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بر هنجارهای قانونی غلبه پیدا می‌کنند، لذا فرهنگ مهم‌ترین نقش را در جلوگیری از ازدیاد ازدواج کودکان ایفا می‌کند.



# # ازدواج\_کودکان

پارسا حقیقی نایینی - برق ۹۵



farzane  
@farzaneghobadi

اینهمه فعالان اجتماعی از آسیبهای ازدواج کودکان گفتن و نمایندگان مجلس پیگیری کردن تا قانونی در این رابطه وضع بشه، یکی میاد سریال "پایتخت" میسازه و راحت توش در مورد ازدواج کودکان حرف میزنه، صدای هیچ کس هم در نمی آد



زهرا کهرام  
@zkohraam

ما تو جمعیت امام علی از دیدن تجربیات تلخ و افتضاح #ازدواج\_کودکان نصف شدیم و هروله ها زدیم تا جلوشو بگیریم... این اصرار سریال پایتخت که هر شب یه جوری خیلی عادی از ازدواج بچه ها حرف می زنه ندیده گرفتن تمام دردهاست. خوبه دست اندرکارانش یه حرکتی بکنن و اعلام موضع کنن در این مورد.



Darya  
@zadeyepayiz

مادر من در مدرسه ی منطقه ی نسبتا پایین شهرمون تدریس می کنه دوره ی متوسطه اول یعنی دختران ۱۳ تا ۱۶ سال شاگردهاش خیلی زود ازدواج می کنند تو همون سن وقتی مادرم بهشون میگه چرا انقدر زود؟ میگن خانوم ما اگر الان ازدواج نکنیم دیگه کسی ما رو نمی گیره تاسف باره



د ایمپ  
@\_the\_imp

سریال پایتخت با همه عالی بودنش یه موضوع خیلی خطرناک رو داره تو جامعه عادی سازی میکنه؛ اونم صحبت از خواستگاری کردن از دختر بچه‌هایی که هنوز نه شرایط ازدواج دارن و نه هیچی از این موضوع میدونند رو داره رواج میده! به نظرم این موضوع خیلی مهمتر از این حرف‌هاست که بخواد باعث خنده بشه!



taraneh baniyaghub  
@baniyaghub

فرقی نمی کنه آخر و عاقبت سریال پایتخت و ازدواج بچه های نقی چی بشه. وقتی داریم از يك شبکه بسیار مهم و پر مخاطب ازدواج دختر بچه ها رو عادی جلوه میدیم خودش اشکال بزرگی یه هر بار رحمت درباره ازدواج اون دو تا بچه شوخی می کنه من که مور مورم میشه.  
#ازدواج\_کودکان



گل‌سنم  
@Golsanama

نقدهایی رو که به پایتخت برای ترویج ازدواج کودکان زده می‌شه، درک نمی‌کنم. ازدواج دخترهای زیر پونزده سال هنوز در گوشه و کنار شهرهای بزرگ اتفاق می‌افته. نشون دادن یک واقعیت با ترویجش فرق داره و برای اینکه نتیجه گرفت پایتخت ازدواج کودکان رو ترویج می‌ده باید قسمت‌های بعدیش رو دید.





صاحب امتیاز: کانون خیریه بچه های آسمان